

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

داکتر محمد ظاهر تیموری

المان - ۱۲ سپتمبر ۲۰۱۴

پیشگفتار من

اینجانب، محمد ظاهر تیموری، پیشگفتار ذیل را مرتبط به مجموعه اشعار پدر بزرگوارم - "تراوشی کوتاه از عمری دراز" - تقدیم خوانندگان عزیز مینمایم:

رویدادها و حوادث چند دهه اخیر، در سطح جهان، با جنگهای غارتگرانه، تجاوزگرانه و خانمانسوز در کشورهایی چون فلسطین، عراق، لیبیا، سوریه و بالخاصه کشور عزیزم، افغانستان، گره خورده است.

اشغال کشور توسط سوسیال امپریالزم روس، موجودیت تنظیمهای جهادی و جنگسالاران جنایتکار و هم موجودیت از گوربرخاستگان طالب دیروز، و حالا اشغال کشور توسط امپریالزم امریکا و شرکای همراه با باند جنایتکار بومیش، همه و همه باعث کشته شدن، بی خانمان شدن، آواره شدن هزاران هزار انسان بیچاره از مردمان سرزمین ما گردیده است، که تنها جبران این همه خسارات مادی و معنوی از نظر زمانی سالهای زیادی را به کار خواهد داشت.

از آن جایی که هستی اجتماعی، تعیین کننده شعور اجتماعی ما ست و از آن جایی که شرائط اجتماعی و هستی اجتماعی ما تأثیر بارزی بر طرز تفکر و عملکرد ما دارد، هیچ فرد آگاه، هیچ اندیشه مند و متفکری، هیچ صاحب قلم و شاعری در مقابل چنین تغییرات، تحولات، رویدادها، بیهودالیتها، نابسواواتها، آوارگیها، اتلاف آوارگان در دریاها و ابهار، مرگ و میر کودکان، زن ستیزی، ظلم و ستم بر زنان و قطع گوش و بینیشان و تجاوزات جنسی که بالای آنها شده و میشود، نمیتواند بی تفاوت بماند.

بناء شاعر نیز چون دیگران از شرائط محیط خود، از ماحول خود، از رسانه های خبری و انترنتی، که امروز جهان ما را به دهکده کوچکی تبدیل نموده اند، الهام میگیرد. به عباره دیگر اندیشه، تفکر و عاطفه انسانیش نمودی از شرائط محیط و ماحول و مقطع زمانیش میباشد. در آخرین کلام اندیشه مندان، متفکران، صاحبان قلم و شاعران، افراد باحساس جامعه خود هستند که نمیتوانند در مقابل چنین رویدادها و حوادث هول انگیز بی تفاوت بمانند؛ البته منظورم از شاعران و قلمبستان مردمی ست!!!

شاعر شیواییان که مجموعه اشعارش اکنون در دسترس مطالعه شما قرار دارد، با عواطف والای انسانیش در مقابل حوادث ناگوار فوق بی تفاوت نمانده و به مبارزه برخاسته است. وی که به تعریف و تمجید ظواهر پدیده ها اکتفاء نمیکند، با استفاده از استعارات و تشبیهات نغز و با در نظر گرفتن عروض و قافیه و مسائل شکلی، استادانه و خلاقانه اشعاری می آفریند که در نوعش کمتر نظیر دارد. سروده هایش چه در قالب غزل و چه در شکل مثنوی و رباعی و مخمس و غیره، همه و همه در مجموع بیانگر وضع اجتماعی جامعه اش میباشد. این اشعار نه تنها بیانگر رنج فراق و دوری از وطن است، بلکه بیان کننده وضع نابسامان کشور نیز میباشد.

شاعر در اشعارش نه تنها درد و رنج و مشقات زندگانی فلاکتبار مردمش را به تصویر میکشد و چهره کریه استبداد، زور و ظلم قشر حاکم را به وضاحت نشان میدهد، بلکه به مبارزه علیه ظلم و استبداد برمیخیزد و مردم خویش را به مبارزه و اتحاد دعوت مینماید. در اشعارش از حقوق حقه زنان در جامعه ما که سالهاست توسط پیروان نظام فرتوت و فرسوده قرون وسطائی مردسالار پایمال شده است، به دفاع برمیخیزد و از طریق نظم و نثر ضدیت خود را با جهل و وحشت نظام مردسالار جامعه ابراز میدارد.

شاعر در اشعارش با زالوصفتان کهنه فکر قرون وسطائی در جنگ است و درینجاست که رخش شعریش به جولان می آید و این مفتخواران خائن جامعه ما را به شلاق مینبندد و ضدیت خود را با خرافات، کهنه پرستی به وضاحت نشان میدهد.

بی گمان اشعار و مقالات شاعر را میتوان گنجینه ای پر بها در ادبیات و فرهنگ کشور محبوب ما به حساب آورد. وجود همچو شاعران و نویسندگان افتخار کشور داغیده ما میباشد. در عالم فراق و دوری از وطن، طول عمر و سعادت همه را آرزومندم.